

روزنامه

# جشن شاهنشاهی ایران



این روزنامه مکار و تاریخ طی ۱۰۰ شماره در تیر آغاز شده بحراید سارکوش روهره با آنچه اش اینجا پیدا شد  
شماره نود و هفتم: سه شنبه بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۵۰

## \*برداشت‌های یک ایوان‌شناس از ایران و جشن‌های شاهنشاهی

آنچه این ایران‌شناس پاکستانی نوشته است

### \*کنگره ایران‌شناسان هند

در دهلی نو

## کتاب شاهی جشن شاهنشاهی

را در صفحه هشت بخوانید

### سیری در طبعت

بررسی ما پیراون شاهنشاهی  
مخصوص مطبوعات و روزنامه‌ها  
پیش از جشن شاهنشاهی از این  
شده آغاز شده است، در این  
بررسی معنی کرده‌ایم فهرست از  
مطالب و مقالات مطبوعات را از این  
دهمه.

را در صفحه هشت بخوانید

### \*اجرا اصول جنگ و مسائل تاکتیکی

قسمت هفتم سلسله مقالات

استراتژی نظامی ایران

هخامنشی در صفحه سوم

### صدایی از آنسوی مرز

صدایی از آنسوی مرز، صدایی ازیز داشجوی ایرانی، اشیاق آمیز، طینانداخت، این صدا، کامارز میانی و میانی مبارزه، صدای هوطول ملاست، که از سر زمینه دیگر، پایه ایران سخن می‌گوید؛ یکنارید مبارزه اینشونه:

۳، درست می‌گردید پیک هفته است که پیر مسکاهی دست میزی از آن ندایی؛ هاد ایران، ایران، ایران، جن‌های ۲۵۰ ساله شاهنشاهی ایران، کوروس، داریوش و غیره می‌گردید.

۴، در احوال احسان لذت‌بخش می‌گویند که خوش کامال نیست، بعد احسان بر تری می‌گذیرند و در آن خوش باشند مطابق با مطابق با خوش بخواهند، به آنها اشاره خواهند، احسان غرور و این می‌گویند، مو به تنت می‌گیرند. و قنی در خواهیان قدم میزینند و خوش بخواهند فریاد پیشی کشند که من ایرانی هستم، یهودی‌گویند؛ اصلاً اگر مشید کاری داشتم سینه‌زدی و روی این می‌توشند «می‌توشند»، او، می‌گویند، هستم، او، می‌گویند، می‌گویند، می‌گویند، می‌گویند، می‌گویند، این شدن شاهنشاهی و امکان آن، در حجاج، چه عزوردی، برای ما ایرانی ها آفریده، و این آغاز سخن اوست. او، چندان پیریاره و پرشور سخن می‌گویند که مجال پاسخ گفتن باقی

هستند، مانند: «ما نیز می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، از این شیوه

تند نهاده، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، از این شیوه

تند نهاده، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، از این شیوه

تند نهاده، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، از این شیوه

تند نهاده، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، می‌گذاریم، از این شیوه

### پیامها و اظهار نظرها

دو صفحه هشتم

این می‌باشد و دویست و پانزده شاهنشاهی ایرانی، از این شاهنشاهی ایرانی او این

این می‌باشد و دویست و پانزده شاهنشاهی ایرانی او این

این می‌باشد و دویست و پانزده شاهنشاهی ایرانی او این

این می‌باشد و دویست و پانزده شاهنشاهی ایرانی او این



این بررسی تا چند شماره در صفحه چهارم چاپ خواهد شد.

صفحه سوم و بخوانید



# استراتژی نظامی ایران هخامنشی

تحقيق از: سر هنگ نصرت الله بختور تاش

انداخته اند و می خواهند از تو استقامه بگیرند  
با چنین وضعی آنها را بشیر می پنداشند  
و من رفته فراطه امانتان را در گلزار چشم گذاشتم  
روز دهم هزار هزار فرنار به دروازه سپاهیان  
پسرت. هفت روز پس از آن دوهزار هزار  
به دروازه نیتو و سیز اسپیت-وچهار  
هزار هزار فرنار می باشد اما سلاسله به دروازه  
پیکارهای شدید است ورز و سیز اسپیت فرمان حمله  
عمومی به این ده هزار نیز می باشد و سپاهیان پارسی  
کاریابانه بودند اما در مردم و سپاهیان پارسی  
خواهد بودند.  
پرسید: پسر اسپادیان طرح خود آن را بر میله  
سپاهیان ایران شکست خواهند خورد و دیگر  
با پیش اشتراحت می کنند، دیگر  
کاریابانه بودند و سپاهیان پارسی  
خواهد بودند.  
پرسید: پسر اسپادیان سیز اسپیت به دروازه  
در راه و مانند قریانه سیوی بودی  
شد. پایلیها اورا دستگیری کردند و از  
پرسیدند، او گفت:  
من به دارویش پیشنهاد کرم که  
دست از حاصمهان پایل بردارد و پیارس  
گرفت و در پیشنهاد خشکشی شد.  
است او از پیشنهاد خشکشی شد  
سامان چنین کرد: اینک من بزیر شما  
گر تھام تا بزرگترین خدمت را انجام  
دهم و سلکنین ازین بزرگترین خدمت را به راه دارویش  
نمی زنم رزا که همه شفاقتی چنگی  
اگاه و خوب می توام علیه و اقدام کنم

و در دانشگاه و در هر چاکه میرسد، فریاد بکند: من ایرانی  
همست، و دعوت یکنند، در قاموس ازیز مهانی تازه برای  
تفصیل شفته است. «خود را پاشیم، تنهایی را بخواهیم»، صدای او،  
پیش از آن دانشجوی ایرانی است که به کشورشان، و به آئین  
فخار آفرین شاهنشاهی ایران، حقق میورزند، و زمام آن  
فر جا هستند احساس غرور و سر بلندی میکنند.

است که روزهارا - هفتم می بخند. و پرورش ارج نهاده باشد. راه

روز شنبه روزی جاوده است که ازان بس، چون گذشتای  
پریا را تراویح می کند. و روز شنبه ۳۴۹ کیما کیما

سدرو فرامان آنها را آغاز می کند. و گذشتای اعضا اینها همچنان می خواهند  
که کل هی بخود گرفت و از روی درشان به چامه ای داریم،

روزی جاوده است. روزی که همه انسانی در زمین ها پاروی  
دیدار می کنند. و این روز، باکره فرامان آنها را می خواهند  
که موقوفی کنند. و این روزی که همه انسانی از

فرازهای ابریست. و این روزی که همه انسانی از

کوششی خود می بینند. و این روزی که همه انسانی از

را در داده های خود می بینند. و این روزی که همه انسانی از

در واقع ارج نهاده است. و این روزی که همه انسانی در راه گشتن داد

بینان روز و در واقع ارج نهاده است. و این روزی که همه انسانی از

کوششی خود می بینند. و این روزی که همه انسانی از

آرایش راه را می بینند. و این روزی که همه انسانی از

دسترسی تا پرستی کل کافی نمی خواهد و می خواهد. و

غذان، عروش آنها را می بینند. و این روزی که همه انسانی از

دسترسی تا پرستی کل کافی نمی خواهد و می خواهد. و

روز شنبه آنها را ارج نهیم که ایران، درین روز، سراسری  
سینه های اینها می بینند پریگ، بفرمان همه بار خود، گامی بربرگ

سینه های اینها می بینند پریگ، بفرمان همه بار خود، گامی بربرگ

## اچ ای، اصول حنگ

مسائیا، تاکتیک

بردیا» و ادعای «گنومات» مخ بر بردیا  
بروضی» و دور بودن کمیوجه بینت چهار  
سال از ایران، زمینه شورش را فرام آورد  
و داد.

یکی از شورشها در پایان رویداد و مدتی  
لول کشید، و پایان هنگامان در محاصمه ارتش  
ایران بود. درین محاصمه یک سلسه عملیات  
فرنگ و پر اندازی انجام یافته است که حائز  
همیت بیشتر.

تلاش‌های نظامی، حتی اجرای تاکتیک

کورسون «بور از مجرای رودفات» در اینجا  
متوتر واقع نشد. پرای پایان دنیا بکارهای محاصمه  
کاربرد. بدین ترتیب که: خودرو مضروب و  
خرچنگ از تدریج ایجاد رفت و نهادن خودرا  
جنین گزارش داد:

من با وضعی که منی از اینجا  
میگردم و به ارگ با پایان هناء  
مکنیسمه که مان تو مرا بایان حال

د و کشور لیبی نیز با  
لهارا املاع کرد.<sup>(۴)</sup>  
و در قوه طاجهنه (کاتار) و  
لندن و چون اگر کشور  
الازم در درست داشت،  
جیش فرسناد و دستور  
جمهوری ورز نیاندید.<sup>(۵)</sup>  
ز پاید ایادت کرد: این  
در ایران و تونسی بود که  
در این فرقاً مقابل چجزه  
ایران یا پیام و حمله  
داده اند و بودند مردم کارخانه  
دریانوردی ایرانی مردم  
پر یار و بودند و کشتی  
در، دریای مدیترانه  
آن عنان از سرزمین های  
پسندیدند و درین و ماقن  
آن بودند و خود را مهله به  
س ر اورش ایران که  
ن تاچه با اجرای عمل  
درست، زیر نظر رئیسی

- ۱ - گرفنون ، کورشنامه کتاب ۶ - فصل ۲
  - ۲ - هرودوت ، کتاب ۳ ، بند ۱
  - ۳ - همان کتاب ، بند ۱ تا ۴

خانواده‌ها، نامهای پرشور ازین دست، که فرزندان آن‌ها خارج فرستاده‌اند، بسیار است. وجسم نامه‌ها که در مقدماتی، ولای کشانها انداده‌اند. واب اتفاق مارا به آن شناس شوراگیری ملی راهنمایی می‌کند.

کورش به کسب اخبار از یک مسیر اکتفا  
نمود و برای آنکه بهتر وفاده از عمل تضییر،  
عمل و تقویم راه را چنان دهد، یک گروه  
نفری درکر، کازار درباره داد و پیشگامانه  
نم بودند به لیدی فرستاد، تا در گردآوری  
پسران و اطلاعات لازم اقدام نمایند، و بوئزه  
ایرانی اینستور داد هارقان و اطلاعات جزو آنچه  
میداندند بست. آوردن و با ایجاد فنون در  
اداره فرمانده از امور تاریخی و معاصر دیگر از  
ایران و علیمان و اوارش زمزی و میلچانگوچی  
آن اکاه خود و فکر و خیال داشتن را  
بیانند و از تضمیمات محرامه آنان کسب

مجهجین سردار پارس بنی‌امویل چنگ و  
اشرل تاکتیکی بطور قاطع آغاز و وضع بابل و  
شوش را موت کرد و مردم آن آگاهی‌های بدست  
برده و در غرب ارتش کشی خود را بر آن  
نهاده است. در غرب انصورت انجام این  
حات بزرگ و اجرای یک سلسه عملیات  
می‌پیاو درخاور و باخت ایران و سلطنت  
یقینی و در اختیار گرفتن او و کان آئینه مقدور  
شد.

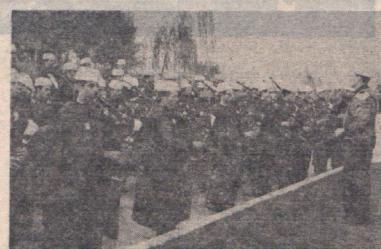
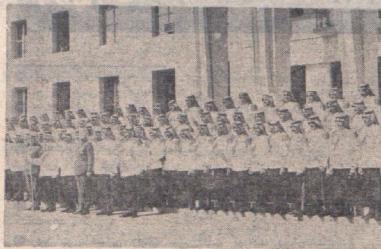
محبوبه پس دور زن روز پوشیده بگفته  
میگزیند که در ایران بود، اعلاءات  
م. را در باره کشور و در باره مصر  
شنست آورده. (۲) و پس چون از م سور  
کش نیرو در عربستان و همچنان سیاست‌گاه  
ایران را می‌داند، سرزمین همانکو و  
ما فراموش ایان بود، سرزمین همانکو و  
بر اراده‌ای منعقد نمود که آب شیرین مورد  
حرف ارشت ایران را نهیمه دارد. حکم ایان  
که در طول سه سال حرف کشت ارشت ایران، آب  
حرفی را با مشتکانی که از پوست شترست  
سرده بودند فراهم آوردد. در تیجه هصر

سدائی از آن سوی مر ...

۱ از صفحه  
ت که احساس  
ریخ و تمدن و  
احساس ، م  
این جشن جل  
چشم و قلب ایر

هر موطن دانشجویها، از چیزی نخست میگوید کهطن  
در هر روز خواهد شدند، بهر ایرانی، از این شاهنشاهی  
آن، و جنگ شکوهمندش، بهر ایرانی داشت.  
آن و سیمتر، بهر هر مردم زیمینی، بهر آسمانی و افریقایی،  
محاجمهار تند جدید غرب / ایسا، احسان همان  
غرب و افسر ایسا، و تاکنین در مردم جلال خواهد  
نشاهی دو هزار و پانصد ساله ایران، باطنی جوشان، از  
فرازی، و بروز شده دید، همه، از نیک رسیمینی آشنا،  
نمیگویند، از یک کشور آسیانی، با تمدنی که کوک که  
تو و چون قرن بزرگ روپوته وی نقطعان، شیرازه استه  
ت. از تیندن و آشی که برای دنیا مشت شدامت، از چیزی  
نمیگویند که کدام و مروطه است، و کراچه ایرانی هم نیست،  
خود رانی از اخراج شارک هم نمیند.  
کراچه، از اخشور جنون شاهنشاهی ایران، «بایک  
چه درگاه رخانخان تدبیله بود، برو، تیز همین احسان  
و اختار آسیانی را، و بوسکوی و بوندی نزدیک است،  
بر اراده، داشته است. و درین عین، پیداست، همه یک  
شکوی ایرانی، در رسیمینی دور، از چشم شور و هرجاتی  
جذبه، و میگردید، و میگردید، و میگردید، و میگردید،





### موزیک ارتش کشورهای دوست

دسته های موزیک ارتش کشورهای اردن - الجزایر - پاکستان - رومانی - سوئیس - کویت و آنبوی که بطور داوطلب بعنایست بر تواریخ جشن ۴۰۰ ساله بنیادناری شاهنشاهی ایران وارد تهران شده بودند در مدت هشت شاهنشاهی در بارگاهی : گوروش - بولوی - نیاوران - فرج، برنامه های ویژه ای شامل آهنگ های محلی اجرا گردید که به نهایت مورث توجه مردم قرار گرفت . دسته های موزیک کشور های دوست، پس از شرکت در جشنها ببازدید آثار باستانی و تاریخی شیراز - تخت جمشید و اصفهان بردند و پس از آنما بر نامه های خود به کشورهای خود مراجعت گردند.

